



نقش نفت و گاز در مناسبات راهبردی ایران و چین

حسین دهقان^۱

محمد خداکرم^۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۳۰

چکیده

با عنایت به جایگاه ممتاز ج.ا. ایران از لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در منطقه خلیج فارس و با دارا بودن ذخائر عظیم انرژی، به نظر می‌رسد ایران برای گسترش روز افزون روابط خود با سایر کشورها در سطح بین‌المللی از ظرفیت بالایی برخوردار است. در شرایط کنونی با توجه به سیاست‌های غرب علیه ج.ا. ایران این کشور مبادرت به تقویت سیاست نگاه به شرق نموده که در این راستا کشور چین به دلیل موقعیت برتر در عرصه جهانی و نیز نیاز مضاعف به انرژی برای توسعه صنعت خود، می‌تواند به عنوان گزینه مناسبی جهت فروش نفت و گاز ایران و ارتقاء ضریب امنیت انرژی برای دو کشور مهم تلقی گردد. نکته حائز اهمیت این است که تبادل انرژی برای دو کشور علاوه بر تأمین امنیت انرژی می‌تواند ابعاد سیاسی نیز داشته باشد. ایران می‌تواند با فروش با ثبات انرژی، قدرت ملی خود را افزایش دهد، که در این صورت در مقابل غرب دست بالا را خواهد داشت و به عنوان یک بازیگر مهم در عرصه بین‌المللی نقش ایفا خواهد نمود و در مقابل کشور چین نیز علاوه بر تأمین انرژی خود می‌تواند برای فشار بر ایالات متحده، با تقویت ایران، بر اساس سیاست مشترک دو کشور مبنی بر عدم یک‌جانبه گرایی، در زمینه وصول اهداف خود استفاده نماید که این مسائل موجبات تقویت روابط دو کشور ایران و چین را فراهم خواهد آورد. نویسنده کوشیده است در این مقاله نقش نفت و گاز را به عنوان دو عنصر مهم انرژی در مناسبات ایران و چین مورد بررسی قرار داده و اهمیت راهبردی آن را بیان نماید.

واژگان کلیدی:

امنیت انرژی، ایران، چین، خلیج فارس، نفت.

۱- استادیار دانشگاه مالک اشتر (dehghan@iranmobin.com)

۲- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛ (mohammad_khodakaram@yahoo.com)

مقدمه

با توجه به این‌که نفت و گاز جایگاه ویژه‌ای را در مراودات کشورهای قدرتمند در صحنه بین‌الملل و با سایر کشورها در سیستم جهانی دارد، لذا سیاست‌های مرتبط با انرژی نیز در یک ارتباط دو سویه، دیپلماسی انرژی را در چارچوب سیاست خارجی مطرح می‌نماید که به وضوح می‌توان ارتباط تنگاتنگ میان منافع ملی^۱ و امنیت ملی^۲ را در اجرای دیپلماسی مثبت میان این اجزا مشاهده نمود.

امنیت انرژی همواره وجوهی را شامل می‌شود که عبارت است از یک طرف تولید کنندگان و از سوی دیگر مصرف‌کنندگان، صاحبان تکنولوژی، شرکت‌های بیمه و ...، که اولویت در این تعاملات منافع ملی می‌باشد. در موقعیت کنونی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص خاورمیانه، خلیج فارس و به خصوص ایران، شرایط ویژه‌ای برای کشور پدیدار گشته، که دربرگیرنده مجموعه‌ای از معضلات سیاسی و امنیتی است. این در حالی است که رشد تقاضای انرژی در مناطق مختلف جهان به خصوص آسیا و به طور مشخص چین، موجبات سوق یافتن قدرت‌های بزرگ اقتصادی به رقابت با سایر رقبای مصرف‌کننده انرژی را فراهم ساخته است. در این شرایط، ایران به عنوان یک واحد سیاسی که خط مشی مستقلی را در سالیان گذشته و حال در پیش گرفته است سعی دارد از انرژی به عنوان یک ابزار برای تعاملات و مراودات مثبت خود در سطح جهانی بهره‌برداری نماید؛ هدف از این مهم دستیابی به حداکثر منافع ملی برای کشور می‌باشد.

در صورتی که دولت‌ها را اصلی‌ترین بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل تلقی نماییم، می‌توان به اهمیت روابط کشورها در صحنه بین‌المللی پی برد؛ لذا پیوند میان بازیگری دولت‌ها و منافع ملی را می‌توان از طریق کشف بنیان‌های شکل‌دهی به سیاست خارجی هر کشور بر مبنای گفتمان سیاست خارجی آن کشور دریافت.

در این مقاله سعی بر آن است با تأکید بر دیپلماسی انرژی به فرآیند تعاملی در سیاست‌گذاری انرژی به‌ویژه در بخش نفت و گاز در سطح بین‌الملل بپردازد و از این طریق، ابعاد و اهمیت ارتقاء قدرت ملی را بیان نماید و روشن نماید که اولویت‌های سیاست خارجی ایران و چین و موقعیت و منابع آن‌ها چگونه در شرایط صحنه بین‌المللی به عوامل پایداری روابط دو کشور شکل داده و نیز به شناسایی عوامل و فرصت‌ها و محدودیت‌ها در این روابط خواهد پرداخت. در نتیجه بر پایه عوامل فوق می‌توان به تبیین روابط دو کشور پرداخت و تلاشی

1. National Interest
2. National Security

ابتدایی را برای واکاوی ابعاد روابط ایران و چین بیان نمود.

چارچوب نظری روابط ایران و چین و دیپلماسی انرژی

پیش از ورود به بحث به صورت اجمالی به روابط دو کشور چین و ایران در حوزه انرژی خواهیم پرداخت؛ دیپلماسی انرژی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های دیپلماتیک یک کشور در خصوص استفاده از اهرم انرژی در تعامل با سایر دولت‌ها برای کسب حداکثری منافع ملی اطلاق می‌شود که لازمه حصول آن هماهنگی میان تمامی برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی می‌باشد.

رهیافت «سیستمیک^۱» به مطالعه مجموعه تعامل‌هایی می‌پردازد که میان سیستم و محیط خارجی^۲ آن پدید می‌آید و این مجموعه ساخته مشخصی از روابط است که از طریق مکانیسم و یا سازکارهایی با محیط خارجی اطراف خود و «زیرسیستم»^۳ در ارتباط است. رابطه «توازن قدرت»^۴ میان مجموعه‌ای از کشورها و دولت‌ها به عنوان یک سیستم عمل می‌کند. سیستم ممکن است دارای سازمان منعطف و یا متصلب، باثبات و یا بی‌ثبات باشد. یک سیستم بی‌ثبات متزلزل‌تر است و توازن آن راحت بر هم می‌خورد. از طرفی یک سیستم باثبات برای برهم خوردن نیاز به یک «درونداد»^۵ بسیار قدرتمند دارد، هر سیستم به دنبال آن است که به نوعی تعادل دست یابد، آن را حفظ کند و پس از برهم خوردن تعادلش به آن بازگردد؛ که خود آن تعادل ممکن است باثبات یا بی‌ثبات باشد. اصطلاحی که با نظریه سیستم‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد «وابستگی متقابل»^۶ است، به عبارت ساده‌تر به معنای وابستگی دو طرفه یا چند جانبه است که درون یک سیستم جریان دارد. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیتی اشاره دارد که در آن بین کشورها _ بازیگران داخلی کشورهای مختلف _ تأثیرگذاری متقابل وجود دارد. این تأثیرگذاری‌ها اغلب از مبادلات بین‌المللی، نقل و انتقال پول، کالا و ... در سطح بین‌المللی ریشه می‌گیرد. این مبادلات پس از جنگ جهانی دوم افزایش شدیدی یافته است. (بزرگی، ۱۳۸۹: ۹۴۲)

در کنار نظریه سیستمیک، نظریه نهادگرایی نئولیبرال ممکن است در حوزه‌هایی که

1. Systemic Approach
2. The External Environment
3. Subsystem
4. Balance of Power
5. Input
6. Interdependence

دولت‌ها در آن‌ها منافع متقابل ندارند، چندان مرتبط به نظر نرسد. بنابراین دستیابی به همکاری در حوزه‌های نظامی یا امنیت ملی که سود یک طرف، زیان دیگری تلقی می‌شود (بازی با حاصل جمع صفر)، بسیار دشوار است. (بیلیس، اسمیت، ۱۳۸۸: ۴۲۴-۴۲۵) در کل نهادگرایان نئولیبرال نهادها را به مثابه ابزاری برای دستیابی به همکاری در نظام بین‌الملل می‌دانند. رژیم‌ها و نهادها در اداره نظام بین‌الملل رقابت آمیز و هرج و مرج آمیز بسیار مؤثر هستند. آن‌ها در زمان لازم به تشویق چند جانبه‌گرایی و همکاری، به مثابه ابزاری برای تأمین منافع ملی می‌پردازند.

از بعد هستی‌شناسی مسائل اقتصادی به ویژه اقتصاد سیاسی برای نظریه‌پردازان این گروه حائز اهمیت است. توسعه نهادهای بین‌المللی حاکی از ظهور عقلانیت میان دولت‌ها تلقی می‌شود که به جای توجه صرف به منافع فوری و لحظه‌ای به منافع بلندمدت می‌اندیشند. از بعد معرفت‌شناسی هرچند دولت‌ها بازیگران اصلی صحنه بین‌الملل هستند اما در کنار آن‌ها بازیگران دیگری با درجه اهمیت متفاوت در قلمرویی که مخصوص دولت‌ها بوده حضور یافته‌اند و بر مسائل اقتصادی، زیست محیطی و تکنولوژیکی تأکید می‌کنند؛ این در حالی است که در دیدگاه آن‌ها مسائل غیرنظامی اهمیت بیشتری دارد. بر همین اساس در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ نظریه‌های همگرایی و رژیم‌ها ارائه شده که محور آن‌ها اقتصادی بوده است. بر اساس این نظریه‌ها همکاری‌های اقتصادی می‌تواند به همکاری‌های سیاسی تبدیل شود و بر اساس فرضیه‌های تسری و کارکردگرایی نهادهای منطقه‌ای و فرا ملی می‌تواند وابستگی متقابل را در بین کشورها به وجود آورند. به نظر می‌رسد ایران و چین بایستی بتوانند همکاری‌های اقتصادی خود را از حوزه انرژی به همکاری‌های سیاسی مبدل نمایند و موجبات توسعه روابط فی مابین را گسترش دهند. دولت در این نظریه بازیگر اصلی است و این نظریه تأکید خاصی بر نهادهای بین‌المللی دارد؛ لذا تأکید بر همکاری دو دولت در صحنه بین‌المللی با استفاده از ظرفیت سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد و به خصوص شورای امنیت که چین عضو آن می‌باشد و همچنین سازمان‌هایی مانند اوپک، می‌تواند در شکل‌گیری وابستگی متقابل پیچیده فی مابین مؤثر واقع شود.

در حال حاضر شاهد این وابستگی متقابل در روابط ایران و چین هستیم. ایران به لحاظ دارا بودن ذخائر عظیم نفت و گاز و نیز احساس نیاز به تعامل با کشورهای بزرگ برای فائق آمدن بر انزوای کشور در صحنه بین‌المللی و بازیگری به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، به دنبال ایجاد روابط متقابل می‌باشد. ابزار انرژی به عنوان یک منطق اقتصاد سیاسی می‌تواند در راستای منافع ملی کشور عمل نماید. کشور چین نیز به دلیل نیاز رو به تزاید خود در

بخش انرژی برای توسعه صنعت خود، می‌تواند در راستای متنوع سازی^۱ واردات انرژی از منابع انرژی ایران استفاده نماید که نتیجه آن برای هر دو کشور به عنوان بازیگران عرصه نظام بین‌الملل همپوشانی نیازهای دو طرفه به عنوان یک سیستم است، که در نهایت ثبات سیستم دوجانبه را تقویت و تعادل را درون سیستم برقرار می‌نماید؛ این مهم موجبات گسترش مناسبات راهبردی دو کشور ایران و چین را فراهم می‌سازد.

امنیت انرژی

به نظر می‌رسد با توجه به تحولات پیش آمده در اقتصاد جهانی، در رقابت کشورهای تازه صنعتی شده آسیا، به خصوص چین با سایر قدرت‌های بزرگ، تا چندین سال آتی نقش نفت و گاز نیز به عنوان یک مورد در اقتصاد جهانی افزایش یابد؛ لذا مفهوم امنیت انرژی مفهومی است کلیدی که پرداختن به آن مهم جلوه می‌نماید.

انرژی عموماً دسترسی مقدار کافی و قابل اطمینان از عرضه انرژی^۲ برای راضی نمودن متقاضی تعریف می‌گردد. به صورت خلاصه می‌توان بیان نمود که امنیت انرژی سه مفهوم اساسی زنجیره تحولات انرژی در جهان امروزی را در بر می‌گیرد: قیمت، پایداری^۳ و محیط زیست. (Bohi & Michael, 1996:64) واقعیت نشان می‌دهد که در شناخت و فهم دانش‌های مرتبط با انرژی انسان کمتر موفق بوده است؛ به طوری که اگر چه در زمینه فناوری، پیشرفت‌های چشمگیری داشته است، بدون شک در بخش‌های مربوط به سیاستگذاری، امنیت و حقوق انرژی، انسان به شدت فقیر است. (Mckeown, 2007:56-57)

امنیت انرژی به عرضه مداوم و مطمئن با قیمت معقول در حامل‌های انرژی بازگشته و سعی می‌نماید تهدیدات ژئوپلیتیکی، اقتصادی، تکنیکی، زیست محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را کاهش دهد. امنیت انرژی از دیدگاه مصرف کنندگان به معنای آن است که اولاً دسترسی آسان و بدون احتمال خطر منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد و ثانیاً این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه و جغرافیایی منابع و نیز مسیرهای انتقال باشد و ثالثاً جریان نفت و گاز عموماً از محلی تأمین شوند که ثبات و عدم تغییر در حکومت‌های آنان درازمدت و طولانی باشد. (Schepers, 2007:33)

امنیت انرژی برای تولیدکنندگان در آن است که در آینده به یک بازار مداوم به همراه رشد منطقی قیمت دسترسی داشته باشند؛ زیرا اکثر تولیدکنندگان از گروه اقتصادهای تک سلولی هستند

1. Divesification
2. Security of Supply
3. Sastainability

که به فروش نفت عمیقاً وابسته‌اند و هرگونه احتمال کم شدن تقاضا و یا توجه کشورهای توسعه یافته به انرژی جایگزین و یا ترجیح آنان در تأمین نفت و گاز از کشورهای غیر اوپک به معنای ایجاد مانع در توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی این کشورهاست. (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۰۶)

دیپلماسی انرژی با مفهوم امنیت انرژی گره خورده است، به گونه‌ای یک رابطه دو طرفه را شامل می‌گردد که میان کشورهای دارای ذخایر نفتی و صادرکننده انرژی با کشورهای دارای تکنولوژی پیشرفته و نیز مصرف‌کنندگان عمده برقرار می‌شود. انرژی یک کالای استراتژیک است که تأمین امنیت آن نقشی اساسی در سطح امنیت بین‌الملل و اقتصاد جهانی دارد.

انرژی، شریان حیاتی چین

مصرف روز افزون و رو به ازدیاد انرژی در چین، موجب گردیده است که نگرانی‌های گسترده‌ای در خصوص تأمین انرژی در مورد این کشور وجود داشته باشد، به نظر می‌رسد بر اساس این طرح کلی چینی‌ها در تمامی مناطق نفت خیز اعم از خلیج فارس، آفریقا، روسیه، آسیای مرکزی و ... به دنبال این منبع باشند، از طرفی نیز توسعه اقتصادی و رشد آن اصلی‌ترین مسأله مشروعیت‌زا برای حزب کمونیست چین به شمار می‌آید.

بنابراین چین نگران است که اختلال در عرضه نفت و یا افزایش بسیار زیاد قیمت آن، سرعت توسعه اقتصادی این کشور را به خطر اندازد. چین در سالیان اخیر به خوبی دریافته است که چگونه می‌تواند با قدرت اقتصادی خود تأثیرگذاری عمده را بر طرف‌های امریکایی و اروپایی داشته باشد و هر چه توسعه اقتصادی این کشور بیشتر و بیشتر باشد، آسیب‌پذیری استراتژیک^۱ این کشور نیز افزوده خواهد شد. این در حالی است که در سالیان اخیر این کشور استراتژی متنوع سازی منابع وارداتی را به عنوان فاکتوری جهت کاستن این آسیب‌پذیری اتخاذ نموده است. یکی دیگر از موارد نگرانی کشور چین این است که در صورت بروز درگیری میان این کشور و ایالات متحده بر سر تایوان، امریکا با کنترلی که بر مسیرهای انتقال دریایی این ماده دارد، جریان نفت به سوی چین را مسدود سازد. (Calder, 2005) در نتیجه چین به دنبال این نکته است که بتواند با داشتن کارت ایران، در زمان حساس به ایالات متحده فشار وارد نماید. از طرفی مصرف نفت خام چین در ماه نوامبر ۲۰۱۱ میلادی ۱,۷ درصد افزایش نسبت به سال گذشته به ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است و بر اساس اطلاعات جدید واردت نفت خام این کشور در همین برهه زمانی شاهد ۸,۵ درصد رشد سالانه بوده و به ۵ میلیون و ۵۲۰ هزار بشکه رسیده است که این مهم چین را پس از امریکا دومین مصرف‌کننده بزرگ نفت خام در جهان به شمار می‌آورد. (www.reuters.com, 2012)

1. Strategic Vulnerability

مصرف انرژی در چین (میلیون بشکه در روز)

مصرف به طور متوسط								میانگین تغییرات سالانه
۱۹۹۰	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵	۲۰۳۰	۲۰۰۴-۳۰
۲,۳	۵,۶	۶,۴	۹,۴	۱۰,۵	۱۱,۶	۱۳,۶	۱۵,۷	3.5
EIA, Report # DOE/EIA-0484(2007), www.eia.doe.gov/oiaf/ieo/excel/ieoreftab_s.xls								

نقش خلیج فارس و ایران در تأمین انرژی

مصرف نفت در جهان رو به گسترش می‌باشد و این در حالی که است که انتظار می‌رود تقاضای جهانی نفت تا سال ۲۰۱۲ به ۸۹,۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. (www.foxoildrilling.com, 2012) که بر اساس آمار بریتیش پترولیوم میزان ذخایر اثبات شده ۷۵۴,۲ میلیارد بشکه در خاورمیانه می‌باشد که شامل جدول ذیل است:

کشور	ذخایر اثبات شده به میلیارد بشکه	درصد جهانی
عربستان	۲۴۴	۱۹/۸
ایران	۱۳۷	۱۰/۳
عراق	۱۱۵	۸/۶
کویت	۱۰۴/۳	۷/۸
امارات متحده عربی	۹۷	۷/۳
قطر	۲۶/۸	۲
عمان	۵/۶	۰/۴
یمن	۲/۷	۰/۲
سوریه	۲/۵	۰/۲
بقیه	۰/۱	-
جمع	۷۵۴/۲	۵۶/۶

Source : bp .statistical of world energy, 2011

به نظر می‌رسد تولید نفت خلیج فارس تا سال ۲۰۱۵ به ۲۶ میلیون بشکه در روز و تا سال ۲۰۲۰ به بیش از ۳۰ میلیون بشکه در روز و به طور متوسط تا سال ۲۰۳۰ به ۳۸ میلیون بشکه در روز برسد که در این صورت سهم تولید نفت خلیج فارس به ۳۳ درصد از کل جهان افزایش یابد (International energy outlook, 2011).

یکی از عناصر و عوامل مهم تأثیرگذار بر امنیت ملی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی، نفت و گاز است. بعد از پیدایش نفت در ایران به مرور این ماده خام به عنوان مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر اقتصاد، سیاست و به طور کلی امنیت ایران ایفای نقش کرده است. در بازار جهانی انرژی، ایران از ۲ نظر در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد:

اول، موقعیت ژئوپلیتیک کشور و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهانی است.



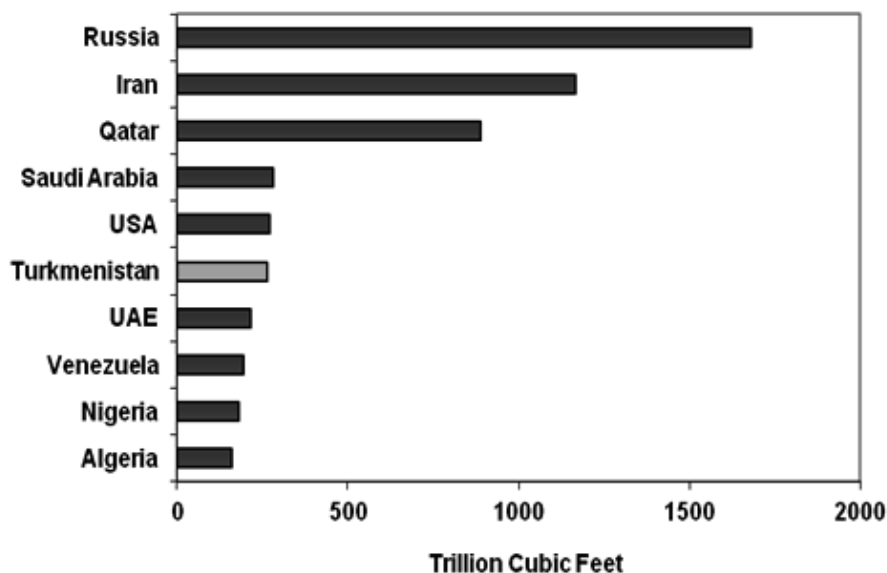
موقعیت ژئوپلیتیک ایران و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهانی

دوم، نقش حیاتی ایران در امنیت جهانی انرژی است. داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهان، ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور بوده و امنیت ملی کشور را نیز تضمین خواهد کرد.

کشور ایران سه حوزه بزرگ ذخایر گازی جهان یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی را به هم ارتباط می‌دهد. از جنبه مصرف انرژی نیز ایران محل اتصال دو حوزه بزرگ مصرف انرژی یعنی هند و چین در شرق و اروپا در غرب واقع شده است. این ویژگی‌های دوگانه باعث گردیده است که امنیت ایران و محیط پیرامونش برای نظام بین‌المللی اهمیت مضاعفی پیدا کند. (ملکی، ۱۳۹۰: ۸۳)

افزون بر این ایران همچنین با ذخیره گازی (۱۰۴۵/۷ تریلیون فوت مکعب) ۱۶ درصد از ذخایر گازی جهان را در اختیار دارد. این ذخایر با روند تولید کنونی بیش از یکصد سال عمر خواهند داشت.

Top Global Natural Gas Reserves by Country, January 1, 2012



Source: Oil and Gas Journal

همه این موارد در حالی است که حدود دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. تقاضای مستمر برای نفت خلیج فارس به فراوانی آن و به رشد اقتصاد جهانی بستگی دارد. اگر رشد مداوم اقتصادی در امریکای شمالی، اروپا و آسیا در دهه آینده استمرار یابد، جهان با افزایش سریع تقاضا برای انرژی روبه رو خواهد شد. افزایش تقاضای آسیا به ویژه کشورهای چین و هند به نفت خلیج فارس یکی از تحولاتی است که در آینده آثار ژئوپلیتیکی و اقتصادی نیز خواهد داشت. در صورتی که کشورهای بلوک شرق سابق بتوانند در مدیریت و نظم بخشی به اقتصاد خود موفق شوند، تقاضای انرژی حتی سریع تر از پیش افزایش خواهد یافت، مزیتی که در خصوص انرژی این منطقه وجود دارد، فراوانی نفت و گاز، استخراج با هزینه های کمتر در مقایسه با مخازن نفت در مناطق دیگر و قرار گرفتن در مسیرهای کارآمد و توسعه

یافته حمل و نقل جهت دسترسی به بازارهای مختلف می‌باشد. (کمپ، هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۸۷-۱۹۰)

در این راستا چینی‌ها استراتژی سه وجهی را در منطقه خلیج فارس دنبال می‌کنند که وجوه آن عبارت است از:

❖ به کارگیری دیپلماسی فعال برای برقراری مناسبات زیربنایی با کشورهای دارنده انرژی برای تضمین عرضه دراز مدت این ماده. اعلامیه مشترک نفتی چین و عربستان در سال ۱۹۹۹ را می‌توان به عنوان یکی از نتایج این دیپلماسی دانست.

❖ فراهم آوردن شرایط لازم برای حضور شرکت‌های نفتی چینی در سرمایه‌گذاری و توسعه میادین نفتی.

❖ تشویق سرمایه‌گذاری متقابل شرکت‌های نفتی کشورهای خاورمیانه در بخش پالایشگاهی و بازار انرژی چین. (Pharkim, bengand& y.w.li, 2005:24)

میزان ذخایر نفت طبیعی و گاز ایران بیان‌کننده این واقعیت است که ایران ظرفیت و قابلیت رسیدن به یکی از محوری‌ترین شرکای مصرف‌کننده بزرگ جهان را دارا می‌باشد. بعد دیگری که باعث ارتقای اهمیت انرژی جهانی می‌گردد، واقع شدن ایران در مرکز کانون استراتژیک انرژی جهان می‌باشد. «جفری کمپ» در کتاب جغرافیای استراتژیک خاورمیانه با در نظر گرفتن این که حدود ۷۰ درصد ذخایر نفت و بیش از ۴۰ درصد ذخایر گاز جهان در بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر واقع گردیده آن (بیضی انرژی) را یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های استراتژیک دوران کنونی می‌داند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۸۸-۱۸۷)

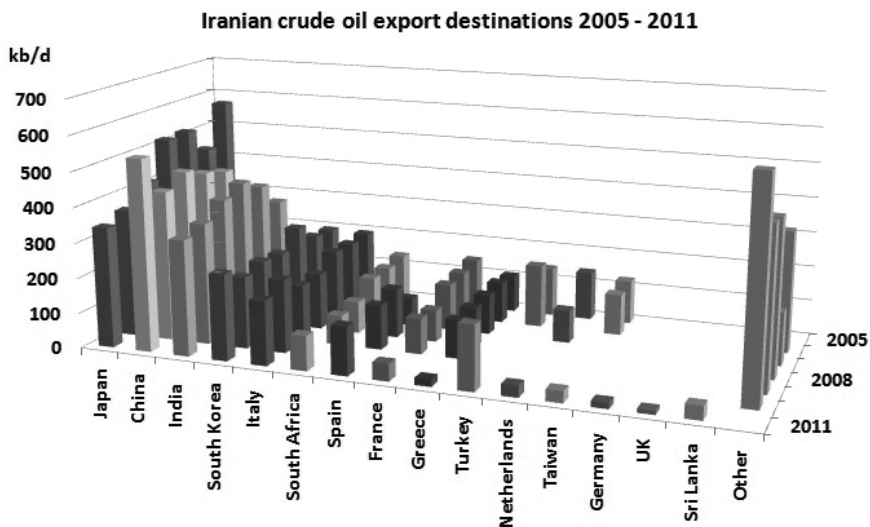
روابط ایران و چین در دهه اخیر در حوزه نفت و گاز

در روابط ایران و چین انرژی نقشی اصلی و اساسی ایفا می‌نماید؛ گرچه روابط ایران و چین در دوران مدرن از سابقه‌ای بیش از سی سال برخوردار است، اما گسترش سریع آن در سال‌های اخیر بیشتر متأثر از متغیر انرژی بوده است. ایران در ژانویه ۲۰۰۶ با پشت‌سر گذاشتن عربستان سعودی به اولین تأمین‌کننده نفت چین تبدیل شد. در طول سال‌های اخیر ایران به طور میانگین چهارده درصد از نفت وارداتی چینی‌ها را تأمین کرده است. تعاملات دو کشور در حوزه انرژی محدود به صدور نفت نبوده است، بلکه موافقتنامه‌های مهمی نیز میان طرفین منعقد شده است. در مارس ۲۰۰۴ شرکت دولتی «نورینکوا» چین موافقتنامه بیست میلیارد دلاری با ایران به امضا رساند که در قالب آن در طول ۲۵ سال بالغ بر ۱۱۰ میلیون تن گاز

مایع از این کشور وارد خواهد کرد، به علاوه در قالب موافقتنامه‌ای پروژه یادآوران، شرکت «سینوپک»^۱ متعهد شده است که در طول ۲۵ سال، سالانه ده میلیون تن گاز مایع وارد کند. (aojoing, 2005) که البته ایران با صادرات ۶۲۲ هزار بشکه نفت به چین در نوامبر ۲۰۱۱ مقام سوم صادرات نفت خام را به خود اختصاص داده است (Irdiplomacy.ir, 2011).

چین برای توسعه خود، نیاز به انرژی تمیز دارد و این انرژی تمیز تا حدود زیادی در گرو مصرف گاز است که در این راستا، شرکت ملی نفت چین با امضای ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان آن است (وردی نژاد، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱) و شاید بتوان مهم‌ترین تحول در روابط ایران و چین را امضای یادداشت تفاهم نفت و گاز در سال ۱۳۸۳ دانست. با امضای این یادداشت تفاهم ۱۰۰ میلیارد دلاری برای توسعه میدان نفتی یادآوران (بر اساس یادداشت تفاهم یاد شده، سهم چین در این طرح ۵۱ درصد خواهد بود) و خرید ۲۵۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع، گام نخست در انعقاد بزرگ‌ترین قرارداد نفتی در تاریخ نفت و گاز ایران برداشته شد. انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی حاکی از جایگاه ویژه ایران در امنیت انرژی چین است. (شریعتی نیا، محسن، ۱۳۸۸: ۴۷)

جدول ذیل روند رو به رشد خرید نفت چین از ایران را بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ را نشان می‌دهد:



Source of data: EIA country analysis briefs

2. Sinopec

دیدگاه چین نسبت به ایران در خصوص پرونده هسته‌ای و پیش‌بینی تحریم‌ها از سوی چین چین در موضع گیری‌های خویش در قبال پرونده هسته‌ای ایران سعی می‌نماید تا ضمن پشتیبانی از اصول پیمان منع گسترش و اشاعه تسلیحات هسته‌ای، و جهت آن کشور به عنوان یک قدرت مسئول و در حال ظهور، دچار خدشه نگردد. بر این اساس چین در موضع گیری‌های خود در رابطه با پرونده هسته‌ای ایران بر حل مسالمت آمیز این مسأله تأکید دارد و مقامات چینی همواره بهترین راه حل برای بحران هسته ایران را دستیابی به یک راه حل صلح آمیز از طریق مذاکرات دیپلماتیک بیان نموده‌اند.

در عین حال چین به روابط بلندمدت خویش با ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مشرف بر خلیج فارس و دریای خزر و همچنین به عنوان منبعی مهم برای تأمین انرژی خویش در آینده ارجح می‌نهد و از آنجایی که در تعامل گسترده تجاری و بازرگانی با آمریکا و اروپاست، علاقه‌ای ندارد که در مسیر رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران به روابط مزبور که در جهت پیشبرد اهداف راهبردی آن کشور برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت اقتصادی می‌باشد لطمه‌ای وارد شود.

«ما جاثو شو»، معاون وزیر امور خارجه چین ریاست هیأت این کشور برای حضور در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ در شهر استانبول را برعهده داشت. دور نخست مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ یک روز ۲۶ فروردین (۱۴ آوریل) در استانبول برگزار شد. چین ابراز امیدواری کرد که بین ایران و گروه پنج به علاوه یک گفت و گوهای سازنده‌ای انجام شده و طرفین از خود انعطاف پذیری نشان داده‌اند. همچنین چین تلاش دارد نقش سازنده و مثبت در حل مسأله هسته‌ای ایران ایفا کند. «ما جاثو شو»، اواخر بهمن ماه سال گذشته نیز به عنوان نماینده ویژه کشورش با سفر به تهران با مقام‌های ایرانی از نزدیک دیدار و گفت و گو کرد. (www.IrDiplomacy.ir, 2012)

بیشتر نفت وارداتی از ایران توسط شرکت نفت ملی چین، سینوپک، دومین شرکت بزرگ نفتی چین و شرکت «ژوهای ژنرونک» وارد می‌شود که حجم تجارت میان چین و ایران در حال حاضر حدود ۳۰ میلیارد دلار است. بانک چین که مبادلات مالی چین و ایران را انجام می‌دهد به منظور جلوگیری از توقف این مبادلات جایگزینی «یوان» را به جای دلار پیشنهاد داده است که توسط ایران پذیرفته شده است (www.ft.com/home/asia, 2012).

با توجه به این مسائل بعید به نظر می‌رسد که چین با تحریم تمام عیار غرب علیه ایران به سادگی همراهی نماید. دلایل این عدم همراهی همه جانبه را می‌توان این گونه بر شمرد:

۱. تداوم توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی در چین، به عنوان اصول مسلم در عرصه سیاست داخلی و نیز سیاست خارجی، نیازمند محیطی آرام در عرصه بین‌المللی است. بر

این اساس، تحریم ایران تغییرات غیرقابل انتظاری را بر نظم بین‌المللی تحمیل خواهد کرد که ممکن است تداوم توسعه اقتصادی را در این کشور با مخاطره مواجه سازد.

۲. ایالات متحده آمریکا، ژاپن و نیز اتحادیه اروپا، واردکنندگان مهم نفت جهان هستند که در مجموع، وضعیت دشواری را برای چین در تأمین نفت به وجود آورده‌اند. در واقع، چین دیر هنگام به سوی برقراری روابط مستحکم دو جانبه با دارندگان منابع نفتی در منطقه، پیش رفته است و بدین لحاظ از نفوذ قابل توجهی در میان آنان برخوردار نیست. زیرا این کشور مجبور به مبارزه در صحنه‌ای است که مؤلفه‌های برابر قدرت با رقبای خود را ندارد؛ لذا همراهی چین با تحریم ایران، مساوی است با تقویت ائتلاف غرب است که موجب ایجاد ضعف در قدرت بین‌المللی این کشور است.

۳. با این‌که عربستان به تنهایی ممکن است توانایی آن را داشته باشد که معادل کل ظرفیت صادرات نفت ایران، نفت وارد بازار چین نماید، اما اگر این کشور به یک باره دچار مشکلاتی شود که صدور نفت به چین را مختل نماید، اثرات آن بر افزایش قیمت‌های نفت بسیار شدید و برای اقتصاد چین مصیبت بار خواهد بود؛ لذا امنیت انرژی ایجاب می‌کند تا چین به تنوع منابع عرضه نفت اهمیت خاصی قائل شود.

۴. با توجه به گسترش روابط نفتی بین چین و عربستان، این همکاری‌ها به دو دلیل از نظر چینی‌ها نمی‌تواند به همکاری‌های بلندمدت پایدار تبدیل شود:

اول، قرارگیری عربستان در زمره متحدان اصلی ایالات متحده و نگرانی این کشور از تسری سطح همکاری‌ها به همکاری‌های نظامی.

دوم، ضعف تکنولوژیک شرکت‌های چینی نسبت به شرکت‌های غربی در حوزه انرژی و تمایل عربستان به استفاده از تکنولوژی‌های فوق پیشرفته غربی در صادرات نفت.

۵. کشور عراق نیز با دارا بودن ذخایر عظیم نفتی و تولید رو به تزايد خود به مثابه یک آلترناتیو، به دلیل فقدان ثبات سیاسی و از آن مهم‌تر، روابط حسنه چین با رژیم صدام و نیز مخالفت آمریکا با تداوم پروژه‌های نفتی منعقد شده بین چین و رژیم صدام پس از حمله آمریکا و ضعف اراده ملی دولت جدید در پیگیری سیاست خارجی مستقلانه، در شرایط مطلوب می‌تواند نقشی مشابه عربستان در استراتژی نفتی چین داشته باشد که البته به دلایل ذکر شده در موارد فوق این نقش چندان با ثبات و قابل اتکا برای چین نمی‌باشد.

البته ناگفته پیداست که در صورت تشدید فشار غرب بر چین و عدم اجرای دیپلماسی فعال از سوی جمهوری اسلامی ایران، این روند ممکن است روز به روز چین را بیشتر از پیش به سمت سیاست همراهی با غرب متمایل نماید.

نقش انرژی در توسعه روابط میان ایران و چین

با تمام مطالب ارائه شده بایستی انرژی را در زمرهٔ اساسی‌ترین مؤلفه‌های مهم در تعیین جایگاه خاورمیانه و به خصوص ایران دانست. این مسأله منطقهٔ خاورمیانه و ایران را در طول سدهٔ اخیر به کانون توجهات جامعه بین‌المللی مبدل نموده است، زیرا امنیت انرژی به این منطقه حساس گره خورده است که می‌تواند منافع ملی آن‌ها تحت تأثیر خود قرار دهد. در نتیجه با توجه به توسعهٔ تصاعدی چین به خصوص در سالیان اخیر و به دلیل عدم پاسخگو بودن منابع داخلی برای تأمین مصارف صنعتی، موجب گردیده است که امنیت انرژی و چشم انداز آن به موضوعی حساس و حیاتی در بعد امنیت ملی برای این کشور مبدل گردد. این کشور با آگاهی از این ضعف خویش در پی آن است تا با برقراری پیوندهای دو جانبه مستحکم با کشورهای دارندهٔ نفت، دسترسی پایدار خود به نفت این منطقه را تضمین نمایند. اقدام‌های صورت گرفته در این جهت را می‌توان در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی مشاهده کرد. از لحاظ اقتصادی، این اقدامات را می‌توان در قالب استراتژی «دو واردات و یک صادرات»^۱ تحلیل کرد؛ در این مسأله به موضوع واردات به نفت و گاز و نیز سرمایه‌گذاری منطقه‌ای جهت برآورده کردن نیازهای این کشور اشاره دارد و یک صادرات نیز دلالت بر سرمایه‌گذاری چین در اکتشاف و توسعه پروژه‌های نفت و گازی در این منطقه دارد. نمود عینی این استراتژی را در یادداشت تفاهم ۱۰۰ میلیارد دلاری ایران و چین قابل مشاهده است. (www.sima.org , 2008/6/21)

چین معتقد است که روابط دو جانبه می‌تواند موجب افزایش امنیت عرضهٔ نفت به آنان به ویژه در دوره‌های بحرانی گردد؛ لذا با به‌کارگیری دیپلماسی نفتی^۲ به دنبال افزایش ضریب امنیت نفت وارداتی خود هستند که در این بین تسلط امریکایی‌ها و اروپایی‌ها موجب می‌شود که کشور چین به دنبال روابط دو جانبهٔ قوی‌تری باشد. بر این اساس شرایط موجود فرصت خوبی را برای طرف ایرانی فراهم می‌آورد تا بتواند روابط خود را با طرف چینی به صورت دو جانبه تقویت نماید.

اهداف راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اصلی‌ترین منبع برای شناخت اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی می‌باشد. نگاهی اجمالی به متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند جهان‌بینی و چارچوب نظری جمهوری اسلامی ایران را روشن نماید. اصل ۱۱ قانون اساسی

1. Two Import and one Export
2. Oil Diplomacy

جمهوری اسلامی ایران تصریح کرده است: به حکم آیه «ان هذه امه واحده و انا ربکم فاعبدون» دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف، اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام محقق گردد. که البته این به معنای عدم ارتباط با سایر کشورها نمی‌باشد و در اصل ۱۵۳ قانون اساسی یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را اتخاذ سیاست‌ها و تدابیری برای حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور معرفی می‌نماید که این نکته در اصل ۷۸ قانون اساسی نیز نهفته می‌باشد.

در اصل نهم قانون اساسی نیز حفظ تمامیت ارضی و استقلال و آزادی کشور را وظیفه دولت و آحاد ملت ایران می‌داند. در اصل ۱۵۲ نیز در قانون اساسی مطرح شده که سیاست جمهوری اسلامی ایران بر اساس «... عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است».

افزون بر این موارد اصل ۱۵۳ قانون اساسی نیز انعقاد هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه به منابع طبیعی اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور شود را به کلی ممنوع دانسته است و به طور تلویحی اعلام نموده است که هیچ مقامی با تصویب و توافق همه نمایندگان مجلس نیز مجاز به انعقاد چنین قراردادهایی نیست.

در همین حال سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران بیانگر این نکته است که این سند نیز در افق ۱۴۰۴ اهداف خاصی را مطرح نظر خود قرار داده است. که مهم‌ترین موارد در امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی مبین جهت‌گیری کلان کشور در دو دهه آینده در مسیر توسعه برون‌گرا و تعامل سازنده با جهان می‌باشد. این بدان معناست که مشارکت و تعامل ایران بایستی در امور جهانی با اراده استفاده از امکانات خارجی برای توسعه باشد که موجبات رفع موانع و تهدیدات بین‌المللی بوده و نیز ارائه تصویری از ایران به عنوان یک فرصت بین‌المللی برای جامعه جهانی باشد.

تحقق اهداف استراتژیک و ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز تدابیر بلندمدت این کشور برای دستیابی به جایگاه برتر در منطقه آسیای جنوب غربی و به خصوص چین، مستلزم تعامل با قدرت‌های مؤثر بین‌المللی و تثبیت نظامی سیاسی استراتژیک در مشارکتی مؤثر با سایر کشورهای منطقه است. زیرا قواعد حقوقی حاکم بر نظام‌های بین‌المللی و منطقه‌ای پس از ایجاد یک نظم سیاسی استراتژیک پدید می‌آیند. به عبارتی دیگر، در صف‌بندی‌های قدرت، کشورها ابتدا باید در نبردهایی سیاسی اقتصادی جایگاه خود را پیدا نمایند و سپس متناسب با آن ساختاری تبیین می‌شود که بنابر آن جانمایی کشورها تعیین می‌شود. ضروری است جمهوری اسلامی ایران از راه مذاکراتی

مسالمت‌آمیز با کشورهای منطقه به شرایطی دست یابد که آنان نیز پذیرای این شرایط جدید منطقه‌ای باشند.

در این بین انرژی و امنیت آن، با عنوان مفهومی اساسی در دیپلماسی انرژی اگر بتواند با سیاست خارجی پویا پیوند بخورد می‌تواند به یکی از مهم‌ترین محمل‌های پیوند ایران با قدرت‌ها و کشورهای در حال توسعه به ویژه در آسیا و اروپا تبدیل گردد و کمک‌های مؤثری را به تحقق اهداف سند چشم‌انداز و توسعه ایران اسلامی نماید. دقت در این نکته ضروری می‌نماید که برقراری پیوندهای انرژی با کشورهای مهم، علاوه بر منافع اقتصادی، منافع امنیتی قابل توجهی نیز برای ایران در بر خواهد داشت، زیرا این کشورها را برای تأمین یک کالای استراتژیک تا حدودی به ایران مرتبط می‌سازد. همین جایگاه مهم و حساس است که توسعه صنعت نفت و گاز را به کانون توسعه ملی تبدیل می‌کند. به این ترتیب می‌توان گفت که موضوع انرژی و چگونگی توسعه آن برای جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این‌که بستری برای تعامل سازنده فراهم می‌کند، زمینه ساز دیپلماسی انرژی مطلوب در راستای اهداف سیاست خارجی نیز می‌باشد. (سریع‌القلم، محمود، ۱۳۷۰: ۶۴)

نتیجه‌گیری:

هدف از این مقاله، ارزیابی جایگاه انرژی و به خصوص نفت و گاز در مناسبات سیاسی بین دو کشور ایران و چین بوده است. مقاله همچنین کوشید تا با بهره‌گیری از نظریه سیستمیک و نیز نهادگرایی نئولیبرال تبیین نماید که در دنیای مدرن چگونه وابستگی متقابل پیچیده می‌تواند اثرگذار باشد و در مورد خاص ایران و چین موضوع را بررسی نمود. علاوه بر این با توجه به آن‌که کشور ما بخش زیادی از بودجه خود را مرهون درآمدهای نفتی و گاز است، درک این وابستگی نیازمند تدوین یک دیپلماسی انرژی صحیح می‌باشد. براین اساس و با توجه به شرایط جاری، بدیهی است که دیپلماسی انرژی ایران به طور مداوم بایستی فعالانه با موضوعات پیش رو برخورد نماید و نیز جمهوری خلق چین به عنوان کشوری که نیازمند محیط آرام برای طی مراحل توسعه است، نیازمند خاورمیانه‌ای با ثبات می‌باشد که این هدف با استراتژی ایران مبتنی بر ثبات در منطقه همپوشانی دارد. همچنین سیاست مبارزه با یک‌جانبه‌گرایی نیز سیاست مشترک دو کشور می‌باشد که در مقابل هژمونی ایالات متحده آمریکا کاربرد خواهد داشت، اما این به تنهایی کافی نمی‌باشد. ایران بایستی بتواند با همگرایی با کشورهای منطقه به خصوص با کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای عضو اوپک، سیاستی را جهت اعتلای کشور به عنوان یک قدرت منطقه‌ای پیاده نماید تا قادر گردد از طریق اهرم انرژی در منطقه تأثیرگذار بوده و نقش آفرینی نماید

و از حداکثر توان برای صادرات نفت خود بهره‌برداری نماید. این دیپلماسی می‌تواند بر مبنای یک سیاست خارجی توسعه‌گرا، به تنش‌زدایی و تعامل سازنده با بازیگران بین‌المللی سوق یابد که متقابلاً سیاست خارجی می‌تواند به توسعه صنعت انرژی و نهایتاً توسعه کشور بیانجامد. توسعه کشور نیز می‌تواند منابع قدرت ملی را برای اعمال نفوذ در سیاست خارجی تقویت نماید.

در پایان توجه به این نکته کلیدی در سیاست خارجی ضروری به نظر می‌رسد که مهم‌ترین نقطه اتصال اقتصاد ایران با اقتصاد در سطح بین‌المللی، مسأله انرژی می‌باشد. در نتیجه اتخاذ یک دیپلماسی کارآمد می‌تواند جایگاه بین‌المللی ایران را در عرصه جهانی تقویت نماید.

منابع و مآخذ

منابع فارسی

۱. بزرگی، وحید؛ نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، (نویسنده: فالتزگراف و جیمز دنورتی)، ۱۳۸۹.
۲. بیلینس، جان، اسمیت، استیو (ال‌لمی، استیون)، (۱۳۸۸)، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳. سریع‌القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، (۱۳۷۰)، بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی
۵. شریعتی‌نیا، محسن، درآمدی بر روابط ایران و چین، (۱۳۸۸)، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۷. کمپ، جفری، هارکاو، رابرت، (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. گراف، فالتز و دنورتی، جیمز (۱۳۸۹)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران.
۹. ملکی، عباس، (زمستان ۱۳۸۶)، امنیت انرژی و درسهایی برای ایران، تهران: فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۲.
۱۰. ملکی، عباس، (بهار، ۱۳۹۰)، سیاستگذاری انرژی، تهران.
۱۱. وردی‌نژاد، فریدون. مدیریت روابط انرژی میان ایران و چین، دومین میزگرد تخصصی بررسی راه‌های همکاری وزارت خانه‌های نفت و امورخارجه، تهران: موسسه مطالعات انرژی

منابع انگلیسی

1. Bohi, duglus & Michael.a.toman, the economist of energy security, norwell, ma, klawer academic publishers 1996, p64
2. China-soudi relations at best stage ever , www.sima.org , 2008.06,21
3. EIA, Report # DOE/EIA0484(2007) , www.eia.doe.gov/oiaf/ieo/excel/ieoreftab_s.xls
4. Kene cadler , east asia and the middle east: a fateful energy embrace, the china and Eurasia
5. Quarterly volume 3, no 3, winter 2005.
6. Mckeown, Rosalyn, energy myth tow, the public is well informed about energy, in sovocool, b.k brown, ma (eds), energy and American society: thirteen myths,berlin: springer,2007,pp.51-74
7. Oil & gas journal , 2012
8. Pharkim. Beng and vic y.wli, chinas energy dependence on the middle east : boon or bane for asia security?,the china and Eurasia from quarterly , novebmer 2005,p24
9. Scheepers, martin, eu standards for energy security of supply, energy research centre of the Netherlands , april 2007, p.33
10. Www.foxoildrilling .com 2012-05-20
11. Www.mercon.com/marcon 2c.cfm?Sectionlists
12. Zha daojoing , chinas energy security and its international relations, the china and Eurasia from quarterly, vol3,no3, winter 2005
13. Http://irdiplomacy.ir/fa/news/32/bodyview/1896963/
14. Http://www.ft.com/home/asia

The Role of Oil and Gas in the Strategic Relations Between Iran and China

Hossein Dehghan

Assistant Professor of Malek-e-Ashtar University

Mohammad khodakaram

Ma in International Relations Islamic Azad University Research & Science Branch

With regard to the privileged position of Islamic republic of Iran in terms of geopolitical and geostrategic in the Persian Gulf region and having large reserves of energy, seems to be Iran has high capacity to increase its relations with other countries in the international level. In the current situation with regard to the policies of the West against Islamic republic of Iran, its Look East policy has attempted to strengthen its relations with China in this regard due to the superior position in the global arena. And double the energy needed to develop its industry, can be adequate as the option to sell Iranian oil and gas. And enhance energy security factor is important for both countries. It is important for energy exchange between the two countries on energy security and can also be political dimensions. Iran could sell the energy stability, increase their national power, in which case you will have the upper hand against West. And as a major player in the international arena will play the role. And also China over its energy supply can Pressure on the United States, with a strengthened Iran, two countries that lack a common policy based on unilateralism collected in the field to use goals. That these issues promoting bilateral relations between Iran and China will provide. The author has tried in this article examined Oil and Gas Energy's role as an important element in relations between Iran and China.

Keywords: Energy security, Iran, China, Persian Gulf, oil & gas